

بسم الله الرحمن الرحيم^۱

عرض شد که در مباحث تقلید چند مقام بحث داریم. مقام اول در مفهوم تقلید بود که عرض کردیم شش نکته را باید اینجا اشاره کنیم.

نکته اول: مفهوم تقلید در لغت

نکته دوم: مفهوم تقلید در اصطلاح

نکته سوم: مناسبت بین معنای لغوی و معنای اصطلاحی

نکته چهارم: آیا تقلید احتیاج به قبول دارد یا ندارد؟

این چهار نکته اشاره شد.

نکته پنجم: مورد تقلید

آیا تقلید در احکام فرعی عملی است یا در اصول عقائد هم تقلید راه دارد یا در هر دو است فی الجمله؟ اما احکام فرعی عملی گاهی عامی به بعضی از احکام فرعی علم دارد مثل ضروریات دین و مذهب، اصل وجوب صوم، صلاه، حج و امثال اینها، مواردی در فرعیات که عامی علم دارد از دائرة تقلید خارج است و آنچه را که علم ندارد از احکام فرعی مورد تقلید است.

وجه خروج موارد علم از دائرة تقلید

محقق حکیم در **مستمسک العروه** ج ۱ ص ۱۰ عبارتشان این است «لوضوح أن وجوب العمل شرعاً برأى الغير حکم

ظاهری کوجوب العمل بسائر الحجج، و من المعلوم أن الحكم الظاهري يختص جعله بحال الشك، فيمتنع

جعل حجية رأى الغير مع العلم بالواقع، كما في الضروریات و اليقینیات.» خلاصه کلامشان این است که می‌فرمایند چرا آنجا که عامی علم دارد جای تقلید نیست؟ می‌فرمایند روشن است که وجوب عمل به رأى غیر، یک حکم ظاهری است مثل وجوب عمل به سائر حجج و آنگاه که علم باشد نوبت به حکم ظاهری نمی‌رسد.

عرض ما این است که این بیان وافی به مقصود نیست مگر کسی توجیه کند ظاهرش قبول نیست. وجه آن این است که وجوب عمل بر طبق حجج غیر از مؤدای حجج است، اینجا بین این دو خلط شده است. مؤدا و مضمون امارات می‌گویند حکم ظاهری است، **محمد بن مسلم** از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که نماز جمعه واجب است، ممکن است اشتباه کرده باشد این وجوب نماز جمعه یک حکم ظاهری می‌شود در حق ما، ولی وجوب عمل بر طبق حجج حکم ظاهری نیست و ادله قاطع بر آن داریم و باید منتهی به قطع بشود و الا حجیت حجت دچار اشکال است. پس این تعبیر که وجوب عمل به رأى غیر حکم ظاهری است مثل حکم عمل به سایر حجج، این غلط است. وجوب عمل بر طبق حجج یک حکم واقعی است نه حکم ظاهری بلکه مؤدای حجج حکم ظاهری است.

لذا بیان بهتر این است که بگوییم موارد علم عامی از تحت موارد تقلید خارج است تخصصاً، به خاطر اینکه همانگونه که در مباحث اجتهاد ذکر کردیم و در مباحث تقلید توضیح بیشتر خواهد آمد، تقلید رجوع جاهل به عالم است، موضوع تقلید این است جاهل به عالم مراجعه کند، آنجا که عامی در مورد خاصی عالم است نه به تعبد، قطع دارد به حکم شرعی، جاهل نیست تا بتواند به عالم مراجعه کند.

بنابراین در احکام فرعی عملی اگر عامی علم دارد مثل ضروریات، نیاز به تقلید ندارد آنجا که عالم به احکام فرعی نیست و جاهل است ادله تقلید می‌گوید جاهل باید به عالم رجوع کند.

تقلید در اصول عقائد چگونه است؟

اما در مسائل اعتقادی هر چند تفصیل بحث در کلام علم است ولی مختصر اشاره می‌کنیم که مسائل اعتقادی بر دو قسم است:

قسم اول: در برخی از این مسائل به عقل و ادله قاطع معرفت و شناخت لازم است، مثل اصل توحید، نبوت، امامت، معاد و امثال اینها.

اینگونه امور اعتقادی که شناخت و معرفت در آنها لازم است، تقلید در این امور صحیح نیست چون تقلید شناخت نیست و تعبد است.

قسم دوم: بلکه بعضی از امور اعتقادی داریم که صرف التزام قلبی هر چند فی الجمله کافی است، دلیل قاطعی بر شناخت تفصیلی و لزوم آن نداریم، مثل عالم برزخ و کیفیت آن، کیفیت عذاب قبر، کیفیت علم امام علیه السلام به موضوعات، در اینگونه امور که صرفاً عقد القلب لازم است فی الجمله، تقلید سبب عقد القلب می‌شود و همین مقدار التزام به عقد القلب کافی خواهد بود.

نکته ششم: رابطه مباحث تقلید با علم اصول چیست؟

آیا بحث تقلید جزء مسائل علم اصول است یا استطراداً اینجا بحث می‌شود؟ ما در ضمن مباحث اجتهاد بررسی کردیم که برخی از اصولیین گویا مباحث اجتهاد و تقلید را از مسائل علم اصول می‌دانند، مثل **صاحب معالم** که می‌فرماید: «المطلب التاسع في الاجتهاد و تقلید»^۲ و **صاحب قوانین** که می‌فرماید: «الباب السابع في الاجتهاد و التقلید»^۳ ولی ما در مباحث اجتهاد توضیح دادیم قسمی از مباحث اجتهاد به عنوان خاتمه علم اصول مطرح می‌شود و قسمی از مباحث اجتهاد از مسائل فقهی است ولی مباحث تقلید غیر از موضوع شناسی آن که از مبادی این مسائل است مباحث عنوان تقلید عمدتاً جزء مسائل علم فقه است چنانچه در مقام دوم روشن خواهد شد ولی به خاطر شدت ارتباطش به مسائل اجتهاد در کنار مباحث اجتهاد مطرح شده است در پایان مباحث اصول ولی جزء علم اصول نیست. این تمام کلام در مقام اول از مباحث تقلید.

مقام دوم: احکام تقلید

ما به پیروی از **محقق خراسانی** چهار حکم از احکام تقلید را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

حکم اول: آیا تقلید عامی از مجتهد و تعبد به نظر او جایز است یا نه؟ و مراد از جواز، جواز بمعنی الاعم است که شامل وجوب هم می‌شود. لذا باید بحث کنیم آیا تقلید جایز است شرعاً یا حرام است شرعاً که بعضی از اخباریان می‌گویند یا قبیح است عقلاً که برخی از روشنفکران می‌گویند؟

بحث در رابطه با این حکم دو مرحله دارد:

مرحله اول: دلیل بر جواز تقلید در نزد عامی چیست؟ آیا خود جواز تقلید یک امر تقلیدی است یا امر اجتهادی است یا نه امر اجتهادی است و نه امر تقلیدی است؟ بررسی آن خواهد آمد.

^۲ - معالم الأصول (با حواشی سلطان العلماء)، ص: ۳۲۵: «(۹) المطلب التاسع في الاجتهاد و التقلید».

^۳ - القوانين المحكمة في الأصول (طبع جدید)، ج ۴، ص: ۲۳۳: «الباب السابع في الاجتهاد و التقلید».